



وزارتخانه جدیدی به نام «رفاه و تامین اجتماعی»

"جامع" و "کامل" آن خواهد بود. هرکارگر و زحمتکشی به تجربه می‌داند که آن چه در این میان مطرح نیست، بهبود رفاه توده زحمتکش است. پس هدف رژیم‌زاتاسیس وزارتخانه جدیدش چیست؟ آیا می‌خواهد با این اقدام کارگران را فریب دهد یا هدف دیگری دارد؟ پیش از این که به هدف واقعی دولت و مجلس‌زاتاسیس وزارتخانه جدید بپردازیم نخست ببینیم که رفاه و سیستم جامع تامین اجتماعی یعنی چه و از دید سران حکومت اسلامی به چه معناست؟

وزارتخانه جدید، مقدم بر هر چیز گویا وزارت رفاه است. رفاه یعنی چه؟ هرکسی می‌تواند تعبیری از رفاه داشته باشد. یکی می‌تواند بگوید: رفاه همین چیز است که در آمریکا است. کشوری با ثروت‌های

صفحه ۸

مجلس ارتجاع اسلامی، پیشنهاد دولت را مبنی بر ایجاد وزارت خانه جدیدی با نام پرطمطراق "وزارت رفاه و تامین اجتماعی" و با "هدف تحقق و اجرای نظام جامع تامین اجتماعی تصویب نمود."

دولت و مجلسی که در این چند سال هرچه در توان داشتند کردند تا کارپیشینیان خود را در جهت فقر و محرومیت هرچه بیشتر توده‌های کارگر و زحمتکش تکمیل کنند و امروز کشوری با دو سوم جمعیت زیر خط فقر، میلیون‌ها انسان گرسنه، حداقل ۶ میلیون بیکار، متجاوز از ۲ میلیون معتاد، تنها، گوشه‌ای از کارنامه سیاه و ننگین، رژیم را به همگان نشان می‌دهد، حالا ادعا می‌کنند که این وزارت خانه را از آن رو می‌خواهند تاسیس کنند که کارش اختصاصاً رفاه توده مردم از طریق برقراری یک نظام تامین اجتماعی، آنهم از نوع

جنبش دانشجویی، یک گام به پیش

به رغم همه موانع و محدودیت‌های مختلف و به رغم تشدید اقدامات پلیسی و سرکوب گرانه رژیم، به ویژه بعد از اعتراضات سراسری و تظاهرات گسترده خیابانی دانشجویان در خرداد ماه سال جاری، امسال نیز دانشجویان در بسیاری از دانشگاه‌ها به استقبال ۱۶ آذر روز دانشجو رفتند و با برپایی مراسم بزرگداشت، برگزاری جلسات سخنرانی و دایر کردن تریبون بحث، اعتصاب، راهپیمایی و تظاهرات، این روز تاریخی و فراموش نشدنی را، گرمی داشتند. البته ارتجاع اسلامی که تجربه خیابانی شدن اعتراضات دانشجویی در تیر ۷۸ و خرداد ۸۲ را با خود داشت، بیش از گذشته نسبت به این موضوع و تحرکات دانشجویی حساس و شدیداً مراقب بود که اوضاع، به اعتراض و تظاهرات دانشجویی کشیده نشود و اگر هم چنین شد، این اعتراضات و تظاهرات در چارچوبی دانشگاهی محدود و محصور بماند. با این همه علی‌رغم تمام این مراقبت‌ها و مانع‌تراشی‌ها، دانشجویان در اشکال مختلفی دست به اعتراض زدند و در مواردی اعتراضات و تظاهرات خود را به بیرون از دانشگاه‌ها و خیابان‌ها نیز کشاندند که از جمله می‌توان به تظاهرات دانشجویان دانشگاه تهران اشاره نمود که به رغم جو خفقان و سرکوب و حضور گسترده و پر شمار نیروهای سرکوب انتظامی، یگان‌های ویژه و لباس شخصی‌ها که در تمام خیابان‌های اطراف دانشگاه تهران مستقر شده بودند، دانش‌جویان تظاهرات خود را از خیابان جلو دانشگاه آغاز نمودند و در ادامه، در خیابان کارگر شمالی به سمت کوی دانشگاه دست به راهپیمایی زدند.

اگرچه شکل عمده مبارزه و اعتراض دانش‌جویی به مناسبت ۱۶ آذر، در اساس محدود به راه‌پیمایی و تظاهرات در درون دانشگاه‌ها شد و این اعتراضات در بیرون

صفحه ۲

در این شماره

- ۲ اخباری از ایران
- ۴ اخبار کارگری جهان
- خلاصه‌ای از اطلاعیه‌ها
- و بیانیه‌های سازمان
- ۷

پیام سازمان فدائیان (اقلیت) به دانشجویان مبارز سراسر کشور

به مناسبت ۱۶ آذر

صفحه ۳

امواج اعتراضات توده‌ای در آمریکای لاتین علیه نئولیبرالیسم

"جهانی شدن" در تمامی این کشورها که امپریالیست‌های آمریکایی و موسسات مالی امپریالیستی نظیر صندوق بین‌المللی پول تمام شریان اقتصادی این کشورها را در دست دارند و کاریست سیاست‌های ضد انسانی‌اکنون پس از گذشت تقریباً یک دهه، نتایج این نسخه‌های اقتصادی ویرانگر را بیش از آن آشکار نموده است. آن‌ها به توده‌ها وعده دستیابی به بهشت

صفحه ۶

تنها در عراق نیست که امپریالیسم آمریکا با موج مقاومت توده‌ها روبرو است. در گوشه دیگر جهان، در اغلب کشورهای بخش مرکزی و جنوبی قاره آمریکانیز میلیون‌ها انسان زجر کشیده و لگدمال شده مدت‌هاست مقاومت همه جانبه‌ای را علیه امپریالیسم یانکی و عوامل ریزورست‌آن آغاز نموده‌اند. در اینجا اما اوضاع به شکل دیگری است. بسط و گسترش همه جانبه مدل آمریکایی اقتصاد، یعنی نئولیبرالیسم، تحت عنوان

مرگ بی‌خانمانان - انسان‌ها،

این صفرهای بی‌اهمیت در حکومت اسلامی و سرمایه داری

طبقاتی را پیش می‌برند. این تضاد نمی‌تواند بدون یک انقلاب اجتماعی که به حذف طبقه‌زاد وانگل، طبقه سرمایه‌دار، می‌انجامد، حل شود. خوانندگان همیشگی نشریه "کار" و هر نشریه کمونیستی بی‌شک با تعریف کوتاهی که از نظم طبقاتی و ستمگرانه سرمایه‌داری و سرانجام آن، در بالا آمد، آشنا هستند و خود با شرکت در کار و

صفحه ۵

نظم سرمایه داری بر مالکیت خصوصی وسایل تولید و استثمار کارمزدوری استوار است. هدف تولید سرمایه داری و منبع ثروت اندوزی سرمایه داران تصاحب ارزش اضافی است. تضاد اصلی و آشتی ناپذیری که در جامعه سرمایه داری وجود دارد، تضاد بین خصلت اجتماعی تولید و شکل خصوص تملک است. در جامعه سرمایه داری دو طبقه اصلی به نام طبقه کارگر و طبقه بورژوا وجود دارند که مبارزه‌ی

جنبش دانشجویی، یک گام به پیش

از صفحه ۱

اخباری از ایران

* ادامه اعتراض در پتروشیمی

نزدیک به هزار نفر از کارگران و کارکنان پتروشیمی اراک، پس از سه روز اعتصاب غذا، روز دوشنبه ۱۷ آذر بار دیگر در آمفی تاتر شرکت، دست به تجمع اعتراضی زدند. در این تجمع اعتراضی، مدیر عامل پتروشیمی اراک، مستجاب‌الدعوه و اعضای هیئت مدیره حضور یافتند و رئیس هیئت مدیره چنین اظهار داشت که مشکل کارگران پتروشیمی را که در مجلس هم مطرح شده پی‌گیری خواهد کرد. نامبرده وعده داد که شرکت مثل سابق به روال کار خود ادامه دهد و از تعداد نیروهای آن کاسته نشود. کارگران و کارکنان پتروشیمی اراک کماکان درخواست‌های خود پافشاری می‌کنند و در صدد آن هستند که با انجام راه پیمایی، به اعتراض خود ادامه دهند. معهدا، شورای شهر با راه پیمایی کارگران شدیداً مخالفت نموده است.

* اعتصاب در شرکت توسعه صنایع پزشکی

کارگران شرکت توسعه صنایع پزشکی ایران، دست به اعتصاب زدند. به گزارش ایلنادر ۱۵ آذر، کارگران این شرکت بیش از یک هفته است که در شرکت حضور می‌یابند ولی کار نمی‌کنند. شایان ذکر است که کارفرما، حقوق و مزایای کارگران را بر مبنای سال گذشته پرداخت نموده و افزایش دستمزد در سال جدید، به کارگران پرداخت نشده است. علاوه بر آن از نیمه دوم شهریور به بعد، پرداخت دستمزد کارگران متوقف شده است. ۲۰۰ کارگر این شرکت با اعتصاب خود، خواستار پرداخت همه مطالبات خود از جمله حقوق‌های عقب‌افتاده خود هستند.

* تجمع اعتراضی کارگران نختاب فیروزان

۳۰۰ تن از کارگران نختاب فیروزان تبریز، بار دیگر دست به اعتراض زدند و با تجمع در برابر ساختمان اداره کار تبریز، خواستار پرداخت یک سال دستمزدهای عقب افتاده خود شدند. ضمانت شغلی و پایان بلاتکلیفی، از دیگر مطالبات کارگران نختاب فیروزان است. به دنبال این تجمع اعتراضی، مدیر کل اداره کار استان، در میان کارگران حاضر شد. نام برده اظهار داشت که با تصویب طرح اصلاح ساختار این شرکت در شورای عالی کار، کارگران این شرکت به مدت یک سال، ۸۵ درصد از حقوق خود را به صورت ماهیانه از سازمان تامین اجتماعی و ۱۵٪ باقیمانده را از کارفرما دریافت خواهند کرد.

شایان ذکر است که این کارخانه بیش از سه ماه است که تعطیل شده و کارگران آن بیکار و بلاتکلیف شده اند.



مبارزات دانشجویی نشان داد که دانشجویان نه فقط به این نقص و کمبود جنبش دانشجویی کاملاً پی برده اند، بلکه گام‌های عملی مشخصی برای غلبه بر بی‌سازمانی و بر طرف ساختن آن نیز برداشته اند.

نکته بسیار مهم دیگری که در عین حال یکی از مختصات اصلی جنبش دانشجویی در لحظه فعلی به شمار می‌رود، حضور پررنگ تر گرایش چپ رادیکال و سوسیالیستی در مبارزات دانشجویی است. جریان مبارزات دانشجویان و گزارشاتی که در این مورد انتشار یافته است، حاکی از آن است که این گرایش، پس از یک دوره کار تدارکاتی، اندک اندک دارد سر بلند می‌کند. گرایش چپ رادیکال و سوسیالیستی جنبش دانش‌جویی، که با شعار "دانشجوی مبارز راهت ادامه دارد" ۱۶ آذر ۳۲ را به تیر ۷۸ و خرداد ۸۲ پیوند می‌زند، در زمینه مسائل جاری جامعه، از اصلاح طلبان حکومتی و بیرون آن به عنوان مرجعینی که خواهان تداوم همین رژیم هستند یاد می‌کند. "انتخابات" را تحریم و شعار "رفراندم" اپوزیسیون خارج نشین "را قویا مردود می‌شمارد" و با نیروهایی چون ملی مذهبی‌ها، توده‌های‌ها، جبهه ملی، اکثریت و سلطنت طلب‌ها، مرزبندی می‌کند و در مبارزات، روش‌ها و راه رسیدن به آرمان‌های عدالت خواهانه خود، بر مبارزات رادیکال و انقلابی سازماندهی شده علیه کلیت رژیم و برانقلاب و سرنگونی جمهوری اسلامی تأکید می‌کند.

و امانکته سوم، مربوط به شعارهای جنبش دانشجویی و پلاکاردهایی است که دانش‌جویان در تظاهرات و راهپیمایی‌های خود آن را حمل می‌کنند. اگر از تیر ماه ۷۸ به این طرف، شعار علیه سران حکومتی و کلیت رژیم، شعار آزادی اندیشه با ریش و پشم همیشه، شعار زندانی سیاسی آزاد باید گردد و شعارهایی با مضمون دعوت مردم به قیام، به شعارهای روتین و همیشگی جنبش دانشجویی تبدیل شده است، در جریان اعتراضات و تظاهرات اخیر دانش

از دانشگاه مانند تیر و خرداد، به اعتراض توده‌ای، سنگر بندی خیابانی و حمله به ارگان‌ها و تاسیسات وابسته به رژیم فرا نروئید، که این مسئله البته در مورد جنبش دانشجویی، جنبشی که هنوز شش ماه هم ازده روز پیاپی تظاهرات گسترده خیابانی آن نمی‌گذرد و هنوز فرصت التیام زخم‌هایش رانیافته است، قابل فهم است، با این همه، شواهد حاکی از آن است که این جنبش دارد وارد مرحله جدیدتری می‌شود و گام‌های دیگری به جلو بر می‌دارد، که تجلی آن را می‌توان به طور خلاصه در سه نکته، بدین گونه فرمول بندی کرد.

یکی از نقاط ضعف مهم جنبش دانشجویی، محرومیت این جنبش از تشکل‌های واقعی و عدم سازماندهی مبارزات و اعتراضات دانشجویی بوده است. در غیاب چنین تشکل‌هایی، دفتر تحکیم وحدت همواره کوشیده است تا از این بی‌سازمانی بهره برداری کند و از نیرو و انرژی برخی دانشجویان، در راستای امیال خود که جدا از منافع جناح‌های حکومتی نیست سوء استفاده نموده، مبارزات و اعتراضات دانشجویی را نیز در همین دایره مهار و محدود سازد. هر چند که در گذشته نیز این نهاد ارتجاعی و وابسته، هیچگاه قادر نشد از رشد مبارزات دانشجویی و فراتر رفتن آن از محدوده‌های مورد نظر خود جلوگیری نماید، اما بار سوابی بیش از پیش این نهاد و در جریان رشد و تداوم مبارزات دانشجویی و سیر تکاملی این جنبش، نه فقط سوء استفاده از نیروی دانشجویان به نفع یک جناح به کلی غیر ممکن شده و کوشش آن به منظور مهار جنبش اعتراضی دانشجویی اثر چندانی ندارد، بلکه خود این نهاد وابسته و ارتجاعی نیز بیش از پیش منزوی شده، دچار پراکندگی و انشعاب گشته و دیگر قادر نیست حتی همان نقشی را که در گذشته داشت، ایفا کند. مهم‌ترین که به موازات پیرویه تجزیه و از هم پاشی تشکل‌های وابسته به رژیم، تشکل‌های واقعی دانشجویی آرام آرام دارند شکل می‌گیرند و بخشا نیز شکل گرفته اند. جریان اخیر

از صفحه ۲ اخباری از ایران

* تجمع کارگران شیشه میرال

جمعی از کارگران شیشه میرال، در اعتراض به بند و بست های مدیر عامل پیشین این کارخانه با بنیاد تعاون بسیج، در برابر دادسرای عمومی تهران دست به تجمع اعتراضی زدند. این کارگران نگران آینده شغلی خود هستند و تضمین شغلی می خواهند.

* تجمع اعتراضی کارگران در کاشان

جمع زیادی از کارگران شاغل شهرستان کاشان، در اعتراض به عمل کرد سازمان تامین اجتماعی در خصوص نحوه اجرای قانون بازنشستگی پیش از موعد در کارهای سخت و زیان آور، در اداره کل کار و تامین اجتماعی دست به تجمع زدند. در عین حال کارگران شرکت ریسندگی و بافندگی کاشان نیز که در این تجمع شرکت داشتند، ۸ ماه حقوق عقب افتاده خود را نیز مطالبه کردند.

* اعتراض به تصویب

لایحه تشکیل وزارت رفاه

در اعتراض به تصویب لایحه تشکیل وزارت رفاه و تامین اجتماعی، شماری از کارگران قم، روز چهارشنبه ۱۹ آذر در برابر سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان قم دست به تجمع زدند.

در سمنان نیز شماری از کارگران با تجمع در برابر دفتر سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان، نسبت به این مسئله اعتراض نموده و خواستار حفظ استقلال سازمان تامین اجتماعی شدند.

در مشهد، ساوه، ایلام، کرمانشاه، هرمزگان و برخی دیگر از شهرها نیز اعتراضات مشابهی صورت گرفت.

* تجمع اعتراضی در برابر مجلس

عده ای از ماماها های سراسر کشور، در مقابل مجلس اسلامی دست به تجمع اعتراضی زدند. اعتراض کنندگان که هشت استان را نمایندگی می کردند، در مورد جایگاه اصلی ماماها، عدم شرح وظیفه مشخص، عدم استقلال رشته مامایی، جذب نشدن ماماها، فارغ التحصیل و افزایش ماماها، بیکار، مشکلات محیط کار اعتراض داشتند و خواستار رسیدگی به این مشکلات شدند.

* اعتراض پرستاران ارومیه

پرستاران شاغل در بیمارستان های دولتی شهرستان ارومیه، با امضاء یک طومار اعتراضی، خواستار پاسخگویی به مطالبات خود شدند. در این طومار، پرستاران نسبت به کمبود شدید نیروی انسانی و فشار کار اعتراض نمودند. پرستاران خواستار متوقف کردن خصوصی سازی در بیمارستان ها، تعدیل ساعات کار و تامین نیروی انسانی کافی شدند.

* اعتراض رانندگان

بیش از ۳۰۰ تن از رانندگان خط بین شهری



پیام سازمان فدائیان (اقلیت) به دانشجویان مبارز سراسر کشور به مناسبت ۱۶ آذر

دانشجویان مبارز!

۱۶ آذر، روز دانشجو نزدیک می شود. ۱۶ آذر، سمبل ایستادگی و مبارزه جنبش دانشجویی در برابر دیکتاتوری و اختناق، ارتجاع و سرکوب است. ۱۶ آذر، سمبل مبارزات آزادیخواهانه و دمکراتیک، ضدامپریالیستی و عدالت خواهانه جنبشی است که در طول نیم قرن، با وحشی ترین و بی رحم ترین دیکتاتوری های عریان در ایران درگیر بوده است. در طول این سالها، رژیم های ستمگر حاکم بر ایران، صدها دانشجو را به قتل رساندند. هزاران تن را به بند کشیدند. بارها دانشگاهها را به اشغال نظامی در آوردند و تعطیل کردند. دستگاههای جاسوسی و سرکوب در دانشگاهها دایر نمودند و خلاصه هرچه در توان داشتند، کردند تا این سنگر آزادیخواهانه را درهم بکنند.

رژیم شاه که با کودتای امپریالیست های امریکایی - انگلیسی در ۲۸ مرداد، قدرت را به دست گرفته بود تا با برقراری رژیم ترور و خفقان، جنبش های دمکراتیک و سوسیالیستی توده های مردم ایران را درهم بکوبد، در ۱۶ آذر ۱۳۳۲، دانشگاه تهران را که همچنان یکی از مراکز ایستادگی و مبارزه در برابر رژیم کودتا بود، به اشغال نظامی در آورد. دانشجویان را بی رحمانه به گلوله بست، سه دانشجو مبارز، قندچی، بزرگ نیا و رضوی را به قتل رساند و دهها تن را دستگیر و به زندان انداخت، با این خیال واهی، که دانشجویان را مرعوب و جنبش دانشجویی را از پای در آورد. اما این جنبش درهم شکستی نبود. با قدرتی فزون تر به حیات و مبارزه خود ادامه داد. از درون همین جنبش دانشجویی است که برجسته ترین سمبل ها و قهرمانان مبارزاتی توده های مردم ایران، جزئی ها، احمد زاده ها، پویان ها و دهها و صدها تن از انسان هایی برمی خیزند که با سازماندهی مبارزه مسلحانه علیه رژیم اختناق و سرکوب، جزیره ثبات و آرامش رژیم کودتا را برهم می زنند.

همین جنبش دانشجویی است که از اواسط دهه چهل به درجه ای از رادیکالیسم، آزادیخواهی پیگیر و دفاع از منافع و حقوق کارگران و همه ستمدیدگان می رسد که هم طراز پیشروترین دانشگاههای جهان، عمده ترین بخش این جنبش را دانشجویان چپ سوسیالیست مارکسیست تشکیل می دهند.

نقشی که این جنبش در جریان سرنگونی رژیم سلطنتی حاکم بر ایران بر عهده گرفت، برکسی پوشیده نیست. رادیکالیسم این جنبش، چنان هراسی در دل مرتجعین اسلامگرا ایجاد نمود، که در پی دستیابی به قدرت، یکی از وظایف مهم خود را در جریان درهم شکستن انقلاب توده های مردم ایران، سرکوب این جنبش قرار دادند. سرانجام نیز با سازماندهی ضد انقلاب فرهنگی در اردیبهشت ماه ۱۳۵۹ به سرکوب خونین این جنبش متوسل شدند. دهها دانشجو را کشتند. صدها تن را دستگیر و به بند کشیدند. هزاران دانشجو و استاد دمکرات، مترقی، چپ و سوسیالیست را تصفیه و اخراج کردند و با بستن و تعطیل کردن دانشگاهها به اهداف ارتجاعی خود جامه عمل پوشاندند.

این یورش وحشیانه ارتجاع به سنگر دانشگاه، گرچه وقعه ای کوتاه در مبارزات جنبش دانشجویی پدید آورد، اما نتوانست، آن را نابود کند. دوباره در تیر ماه سال ۱۳۷۸ بود که این جنبش، قدرت خود را در برابر ارتجاع حاکم به نمایش گذاشت. دور جدیدی از مبارزه دانشجویان آغاز گردید. به رغم تمام سرکوب های رژیم و به بند کشیدن صدها دانشجو، و محکومیت های سنگینی برای باطنی ها، محمدی ها، این مبارزات همچنان ادامه دارند و آنچه حائز اهمیت است، رادیکال تر شدن روزافزون آن است که تظاهرات دانشجویی خرداد ماه امسال به وضوح آن را نشان داد.

تظاهرات خردادماه امسال آشکار ساخت که جنبش دانشجویی ایران با سابقه درخشان و سنت چپ و رادیکال به جلو خواهد رفت و دانشجویان مبارز، مترقی و انقلابی، تا تحقق خواست های توده های مردم ایران از پای نخواهند نشست.

دانشجویان مبارز، چپ و سوسیالیست!

بحران های متعددی که رژیم حاکم با آنها روبروست، به وضوح عمق پوسیدگی نظام موجود را نشان می دهند. این رژیم تا همین لحظه نیز تنها با تکیه بر سرنیزه توانسته است به حیات خود ادامه دهد. وسیع ترین بخش توده های مردم ایران، به این حقیقت رسیده اند که راه دیگری برای نجات از شر فجایعی که این رژیم به بار آورده است، جز سرنگونی رژیم از طریق انقلاب نیست. نقطه ضعف مبارزات توده های مردم، اما، پراکندگی و بی سازمانی است. باید برای غلبه بر این ضعف تلاش نمود و مقدم بر هر چیز برای ایجاد تشکلهای دانشجویی تلاش کنید. بخش چپ و رادیکال جنبش دانشجویی وظیفه ای مهم بردوش دارد. باید این حقیقت برهمگان روشن باشد که در ایران هیچ اقدام رادیکالی نمی تواند بدون حضور طبقه کارگر، این رادیکال ترین و پرجمعیت ترین طبقه کشور انجام بگیرد. طبقه کارگر تنها طبقه ای است که با تمام نظم موجود مخالف است. از همین رو پیگیرترین طبقه ای است که با رژیم موجود مبارزه می کند. انقلاب و سرنگونی رژیم، تنها به دست طبقه کارگر امکان پذیر است. به یاد آوریم که در دوران رژیم شاه نیز با وجود تمام مبارزات قهرمانانه دانشجویان و دیگر مردم زحمتکش و ستم دیده، این رژیم به حیات خود ادامه داد و تنها هنگامی از اریکه قدرت به زیر کشیده شد که طبقه کارگر به عرصه سرنگونی رژیم شاه گام نهاد و کار آنرا یک سره کرد. به میان کارگران بروید به آگاهی آنها یاری رسانید و اتحاد خود را با کارگران مستحکم سازید.

کارگران و زحمتکشان! زنان! معلمان! دانش آموزان!

مبارزه دانشجویان ایران، جزئی از مبارزه عمومی شماس است. به یاری آنها بشتابید و از مبارزات و مطالبات آنها حمایت کنید.

دانشجویان مبارز!

۱۶ آذر فرامی رسد. یک بار دیگر با مبارزات سراسری خود، روز دانشجو را به عرصه قدرت نمایی جنبش دانشجویی علیه رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی تبدیل کنید.

پیروز باد مبارزات جنبش دانشجویی

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقراری حکومت شورایی

سازمان فدائیان (اقلیت) - ۱۳۸۲/۹/۱۱

کار - نان - آزادی - حکومت شورایی



اخبار کارگری جهان

* آمریکا: اعتصاب کارگران ادامه دارد

اعتصاب بیش از ۷۰ هزار نفر از کارگران شرکت بزرگ زنجیره‌های پخش مواد مصرفی و غذایی در جنوب کالیفرنیا وارد نهمین هفته خود شد. این اعتصاب در اعتراض به تلاش‌های سرمایه‌داران برای جنگ و نیز کاهش حق‌بازنشستگی، کاهش بیمه‌های درمانی و انجام دستمزدها در سال جاری آغاز شد و بیش از ۸۶۰ فروشگاه مواد غذایی را به تعطیل کشانده و موجی از همبستگی را در سراسر آمریکا دامن زد. در اولین روزهای آغاز این اعتصاب، هزاران نفر از کارگران تعمیرات و رانندگان اتوبوس‌های شهر لوس آنجلس به نشانه همبستگی با کارگران اعتصابی، دست از کار کشیدند.

سپس نوبت به بیش از ۱۰ هزار نفر از کارگران همین فروشگاه‌های زنجیره‌ای در ایالت‌های دیگر از جمله اوهایو، کنساکو و غرب ویرجینیا رسید که به صف اعتصابیون پیوندند. در این مدت، کارگران اعتصابی در مقابل صدها فروشگاه تجمع کرده و با افشای اجحافات سرمایه‌داران، از مردم می‌خواهند که از خرید در این فروشگاه‌ها خودداری کنند. در حال بیش از ۱۰ هزار نفر از کارگران بسته بندی و رانندگان شرکت‌های حمل و نقل در همبستگی با اعتصابیون از بسته بندی و حمل کالاهای مربوط به این فروشگاه‌های زنجیره‌ای خودداری کرده و فشار را به سرمایه‌داران بیش از پیش افزایش دادند. در همین حال، روز ۲۲ نوامبر هم‌هزاران نفر از اعتصابیون به همراه دیگر کارگران از سراسر آمریکا در شهر واشنگتن گردهم آمده و طی تظاهراتی خواستار پایان دادن به اجحافات سرمایه‌داران شدند. اما کار همبستگی طبقاتی با کارگران اعتصابی به اینجا ختم نشده است. اکنون به همت فعالین کارگری از سراسر آمریکا کمک‌های مالی به صندوق اعتصاب کارگران سرازیر شده است.

* سرکوب کارگران در عراق

روز ۲۴ نوامبر، بیش از ۱۰ هزار کارگر بیکار عراقی در اعتراض به تعطیل کارخانجات و عدم پرداخت دستمزدها در بغداد دست به تظاهرات زدند. یک روز قبل از آن قاسم‌هادی وعادل صلاح ۲ تن از فعالین اتحادیه بیکاران عراق به دستور فرماندار آمریکایی عراق، پاول برمر، به جرم تحریک بیکاران علیه شورای حکومتی عراق و با استناد به قوانین دوران حاکمیت حزب بعث دستگیر و روانه زندان شدند. در اعتراض به دستگیری رهبران خود، اتحادیه بیکاران عراق طی اطلاعیه‌ای اشغال عراق توسط امپریالیست‌ها را نه برای برقراری موازین حقوق بشر و دمکراسی بلکه برای تسلط بر منافع اقتصادی این کشور دانسته و به فوریت خواستار آزادی رهبران زندانی خود شد. هم‌زمان با تلاش‌های بیکاران، که هر روز بر تعداد آنها افزوده می‌شود، کارگران بیش از ۶۰۰ موسسه دولتی نیز حق تشکیل و ایجاد اتحادیه‌های صنفی خود را ندارند. هر چند این موسسات باید با نازل‌ترین قیمت خصوصی شده و به سرمایه

داران آمریکایی فروخته شود، اما تلاش‌های کارگران تحت عنوان اتحادیه دمکراتیک کارگران عراق نیز با موانعی برخورد کرد که قوانین دوران حاکمیت حزب بعث عراق علیه کارگران تنظیم کرده بود. در این جا نیز حاکمان آمریکایی ابایی ندارند که به بهانه حفظ قانون، به قوانین ضد کارگری رژیم سابق استناد کرده و به این وسیله با تشکل یابی کارگران عراق مقابله کنند.

* اعتصاب عمومی در زیمبابوه

قیمت‌ها ساعت به ساعت افزایش می‌یابد، مالیات‌ها سهم بیشتری از درآمد ناچیز کارگران و زحمتکشان را به جیب دولت سرازیر کرده و حقوق صنفی کارگران با خشونت زیر پا گذاشته می‌شود. علاوه بر این منابع رسمی نرخ تورم را در حال حاضر ۵۰۰٪ دانسته و اعلام کردند که سال آینده نرخ تورم به ۷۰۰٪ خواهد رسید. این‌ها همه واقعیات دردناکی هستند که زندگی هزاران کارگر و زحمتکش زیمبابوه را به تباهی و نابودی سوق داده و آنها را به عرصه مبارزه برای آینده بهتر می‌کشاند. در همین راستا روز ۱۸ نوامبر، دهها هزار نفر از کارگران زیمبابوه به فراخوان کنگره سراسری کارگران زیمبابوه، ZCTU، پاسخ مثبت داده و دست به یک اعتصاب ۲۴ ساعته زدند. مقامات دولت از قبل خود را برای مقابله با اعتراض کارگران آماده کرده بودند. مقامات پلیس از روزهای قبل دست به تهدید آشکار کارگران زدند و اعلام نمودند که در صورت برپایی اعتصاب عمومی، تمامی رهبران ZCTU را دستگیر و روانه زندان خواهند کرد. به رغم تمام این تهدیدات آشکار، کارگران در این روز دست به اعتصاب زدند. از اولین ساعات باامداد، ماموران پلیس تمامی رهبران اتحادیه کارگران را در چند شهر دستگیر کردند و با این اقدام، تصور می‌کردند که کارگران در خانه‌های خود می‌مانند. اما پس از گذشت مدت کوتاهی، کارگران اعتصابی در خیابان‌ها به راه افتاده و به سمت مراکز اصلی چند شهر حرکت کردند. در پایتخت، کارگران مورد هجوم ماموران پلیس قرار گرفته و به فوریت دست به دفاع از خود زدند و زد خورد خونینی بین اعتصابیون و ماموران پلیس در گرفت. در چند شهر دیگر نیز اوضاع بر همین منوال بود و مقامات دولت نتوانستند به رغم تهدید و دستگیری رهبران کارگران، از برپایی تجمعات اعتراضی آنها جلوگیری کنند.

* اعتصاب ۴ ساعته کارگران بخش خدمات در فنلاند

روز ۱۱ دسامبر، صدها هزار کارگر فنلاندی شاغل در بخش خدمات این کشور در اعتراض به موج وسیع اخراج‌ها دست به یک اعتصاب ۴ ساعته زدند. اعتصابیون اعلام داشتند در صورت عدم توقف اخراج‌ها، اعتصابات وسیع‌تر و طولانی‌تر برپا خواهند کرد.

* موج اعتصابات کارگری در ایتالیا

بیش از یک و نیم میلیون کارگر ایتالیایی روز ۶ دسامبر در اعتراض علیه تغییرات در قانون بازنشستگی این کشور دست به

اعتصاب و تظاهرات زدند. در طول راه - پیمایی کارگران با خواندن سرود انترنا - سونیال و به اهتزاز درآوردن پرچم‌های سرخ، مخالفت خود را با تعرض به دست آورده‌های مبارزاتی کارگران به نمایش گذاشتند. قانون فعلی بازنشستگی در ایتالیا شامل پرداخت ۳۵ سال پرداخت بیمه بازنشستگی و سن بازنشستگی ۵۷ سال می‌باشد در حالی که تغییرات اخیر، سن بازنشستگی را برای زنان به ۶۰ سال و برای مردان به ۶۵ سال افزایش می‌دهد. همچنین بیمه بازنشستگی مشمول کارگران و کارکنانی می‌گردد که ۴۰ سال حق بیمه پرداخت کرده باشند. این تظاهرات در اعتراض به سیاست‌های دولت در مورد بازنشستگی و به طور کلی سیاست‌های اقتصادی واجتماعی دولت صورت می‌گرفت. در این تظاهرات بعد از مدت‌ها جدایی، ۳ سندیکای اصلی ایتالیا مشترکا شرکت کرده بودند و رهبران آنان مشترکا بر ضد سیاست‌های دولت به سخنرانی پرداختند. آنان در این سخنرانی دولت را متهم نمودند که تمامی مخارج اقتصادی دولت را بر دوش کارگران و زحمتکشان قرار داده است و برای اصلاح وضع اقتصادی کشور بیش از پیش به باج دهی به سرمایه‌داران پرداخته است و از طرف دیگر رهبر سندیکای سرمایه‌داران را هم به عدول از استقلال سندیکای سرمایه‌داران متهم نمودند. آنها در ادامه سخنرانی مطرح نمودند که اگر دولت به خواست آنان در تغییر سیاست‌های اقتصادی و بازنشستگی عمل ننماید به مبارزه ادامه خواهند داد. در همین رابطه، احزاب دولتی، این تظاهرات را سیاسی خواندند و سندیکا را عامل احزاب اپوزیسیون معرفی نمودند. معاون نخست وزیر نیز در مصاحبه‌ای اعلام نمود که دولت کماکان مصمم است به راه‌خود ادامه دهد و سیاست‌های دولتی در پارلمان بررسی می‌شود و نه در تظاهرات و در میدان‌های شهر. در روز دوشنبه نیز در اعتصابی که به وسیله کارگران بخش حمل و نقل شهری صورت گرفته بود بسیاری از شهرهای ایتالیا فلج شده و بدون اتوبوس و تراموا بودند. در این اعتصاب که با شرکت درصد بسیاری از کارگران صورت پذیرفته بود آنان خواستار ماضی قرارداد جدید کار و اضافه حقوقی برابر با صد یورو در ماه را کرده بودند که با مخالفت شرکت‌های مسافربری شهری روبرو شدند. (لازم به یادآوری است که قرار داد این کارگران دو سال پیش تمام شده است و شرکت‌های مسافربری قرار داد جدید را با آنها امضا نکرده‌اند.) در این رابطه رانندگان شهر میلان بدون اطلاع سندیکاهای سراسری اعتصاب خود را چندین ساعت زودتر از موعد مقرر شروع نمودند و عملاً هیچ یک از اتوبوس‌ها به حرکت در نیامدند و متروها و ترامواها نیز دست از کار کشیدند. این عمل موجب فلج شدن کامل شهر گردید و موجب گشت که سندیکاهای سراسری نیز به این کار - گران اعتراض نمایند و این اقدام را اقدامی بر ضد دیگر کارگران محسوب دارند. در همین رابطه کمیته گارانتی اعتصاب به بررسی این اقدام مشغول است و خواستار برخورد به این کارگران شده است. در

مرگ بی خانمان - انسان ها، این . . .

خیابان جان باختند". در همان روز یکی از خبرگزاری های رژیم کوشید برفتن به سراغ یک مسئول مبارزه با مواد مخدر قضیه را لو ت کرده و چنین القاء کند که جان سپردگان از سرما، معتادان به مواد مخدر بوده اند تا به خیال خود از اهمیت قضیه بکاهد. تازه اظهار نظر همین مقام مسئول و بقیه مسئولان در روزهای بعد نشان داد که در جمهوری اسلامی اگر مسئولی هم هست، نباید انتظار پاسخگویی را از آنان داشت. آری این چنین بود که سردار قدرت الله محمودی، مدیر کل مرکز مبارزه با مواد مخدر نیروی انتظامی تهران به خبرگزاری کار گفت:

"مسئول اسکان بی خانمان ها، وزارت کشور و استانداری ست و نیروی انتظامی در این خصوص هیچ مسئولیتی ندارد. وی همچنین وقیحانه افزود: "مگر ما به افراد بی خانمان کارتن داده ایم؟ پاسخگویی به چنین مشکلاتی وظیفه فرمانداری و استانداری ست." حالا ببینیم مسئولان استانداری چه می گویند؟ قاسم احمدوند معاون اجتماعی استانداری تهران، می گوید: "برخلاف گفته مدیرکل مبارزه با مواد مخدر نیروی انتظامی تهران، جمع آوری متکدیان در سطح شهر به عهده نیروی انتظامی ست و استانداری وظیفه هماهنگی برنامه های جمع آوری آن ها را دارد." پس ظاهر جان سپردگان تنها معتادان نبوده اند و متکدیان بودند که باید مانند زباله "جمع آوری" می شدند! ای کاش آقای معاون "اجتماعی" لاقل کمی شرم داشت!

وقتی که مقامات نیروی انتظامی و غیر انتظامی (استان داری) مسئولیتی نپذیرفتند، باید دنبال مهره های کوچک تر رفت و کوشش کرد که مسئله را کوچک و بی اهمیت جلوه داد. چنین بود که آقای شهاب الدین صدر، رئیس سازمان پزشکی قانونی وارد صحنه شد و گفت: "طبق آمار روابط عمومی این سازمان در روزهای اخیر تنها ۴۰ جسد از افراد بی خانمان به پزشکی قانونی منتقل شد." خوب، این سازمان با این ۴ جسد چه کرد؟ صدر پاسخ می دهد: "ما این موضوع را به سازمان صدا و سیما تذکر دادیم." که حتما اعلام کند که ۴۰ جسد پیدا نشده و تعداد فقط ۴ نفر بوده است!

جست و جوی مسئول و پاسخگو، پس از انتشار خبر درگذشت ۴۰ نفر در کمتر از یک هفته در اثر سرما نتیجه ای نداد. این موضوع در اظهار نظر ۲ تن دیگر از مسئولان جمهوری اسلامی مشهود بود. در این زمینه محمد رضاراه چمنی، رئیس سازمان بهزیستی به خبرگزاری فارس گفت: "خیابان خواب های اخیر که به دنبال سرمای اخیر تهران جان باختند، معتادان و ولگردهایی بودند که باید توسط نیروی انتظامی جمع آوری می شدند. حسن علم - الهدانی، معاون امور اجتماعی همان سازمان نیز به یکی دیگر از خبرگزاری های

مبارزه اجتماعی واژه به واژه آن را در عمل با تمام وجود لمس کرده اند. نوشته حاضر قصد ندارد تنها تکرار کننده تعریف کوتاه و سرانجام نظم سرمایه داری باشد و می خواهد با اشاره به واقعیتی اجتماعی به ژرفای فجایع این نظم بپردازد. ژرفایی که در ایران با یک حکومت خودکامه و دیکتاتوری اسلامی خشن تر و ضد انسانی تر شده است. جمهوری اسلامی تنها یک رژیم خودکامه نیست که بادستگیری، حبس و کشتار مخالفان سیاسی اش به حیات خود ادامه می دهد، جمهوری اسلامی همچنین یک نظم سرمایه داریست که مانند کل سرمایه داری هر لحظه جنایت می کند و قربانی می گیرد. این روزها حتی قدم زدن در خیابان ها، به ویژه در شهر های بزرگ ایران، هر انسان اندک آگاهی را با واقعیات و ضد بشری بودن نظم سرمایه داری آشنا می کند. چه کسی است که در گوشه و کنار شهرها شاهد انبوه کودکانی نباشد که مشغول باربری، تمیز کردن شیشه اتومبیل - ها، دستفروشی و کارهایی از این نوع نباشند، کودکانی که به جای نیمکت های دبستان ها، مراکز آموزشی و تفریحی در خیابان ها منزل گرفته اند و برای لقمه نانی وادار به زجر کشیدن هستند؟ چه کسی ست که دستکم دو سه انسان را شبانهنگام در گوشه ای یا کارتنی ندیده باشد که می کوشد چند لحظه ای چشم برهم بندد و گاهی همین انسان ها را بی جان در گوشه و کنار خیابان ها نیافته باشد؟ روز نوزدهم آذر بود که سرانجام روزنامه ای با چند سطر کوتاه خبر از مرگ داد، مرگ انسان هایی که با هجوم سرما و ریزش برف در خیابان های تهران برای ابد چشم فرو بستند. در عنوان خبر آمده بود: ۴۰ کارتن خواب در سرمای تهران جان سپردند. همان روزنامه چهار روز بعد تیتر دیگری داشت که چنین بود: هیچ نهادی مسئولیت کارتن خوابها را نپذیرفت. موضوع از این قرار است که طی کمتر از یک هفته دستکم ۴۰ انسان قربانی فقر و نظم سرمایه داری شده و با هجوم سرمای اواسط آذرماه در خیابان می میرند و مجادلات "مسئولان" جمهوری اسلامی تنها پیرامون این می گردد که آنان ۴۰ نفر نبوده اند و ۴ نفر بودند، چند روز و کمتر از یک هفته هم نبوده و یک هفته بوده است! یا حتی بحث به این جا می کشد که چون جان سپردگان از سرما بی خانمانی، عده ای معتاد به مواد مخدر بوده اند پس مرگشان "طبیعی" و "عادی" ست! گویی اعتیاد و بی خانمانی سرنوشتیست که بر پیشانی برخی حک شده و چاره ای هم ندارد.

با دنبال کردن کشمکش های مسئولان جمهوری اسلامی بر سر مرگ چهل انسان، بیش از پیش جنایت کاری نظم سرمایه داری اسلامی و کوشش سرمایه داران برای انحراف افکار عمومی از مسئله اصلی روشن می شود. در خبر نوزدهم آذر روزنامه "شرق" از قول بهروز هنرمند، باز پرس شعبه چهارم دادرسی امور جنایی تهران آمده بود: "۴۰ مرد ۱۳ تا ۵۰ ساله بر اثر سرما در

در اعتراض به قانون عدم حمل و نقل مسافر توسط خودروهای شخصی، روز شنبه ۱۵ آذر در مقابل استانداری قم دست به تجمع زدند. این رانندگان چنانچه اقدام به حمل مسافران به شهرهای دیگر کنند، قانونا ۲۰۰ هزار ریال جریمه می شوند.

*** تجمع اعتراضی رانندگان در ماکو**

رانندگان بین شهری ماکو در اعتراض به افزایش جریمه ها، در برابر فرمانداری شهر، دست به تجمع زدند. این تجمع، با قول مساعد از سوی مسئولین شهر، پایان یافت.

*** تجمع رانندگان در سرخس**

دههاتن از رانندگان خط بین شهری مشهد - سرخس، در اعتراض به صدور قبض های جریمه ۲۰ هزار تومانی، در مقابل فرمانداری سرخس، دست به تجمع زدند. پس از حضور فرماندار سرخس در جمع اعتراض کنندگان و قول رسیدگی، اعتراض کنندگان به تجمع خود پایان دادند.

*** اهالی زرکش، جاده را بستند**

اهالی زرکش (واقع در ۱۵ کیلومتری شمال غرب مشهد) در اعتراض به کمبود خدمات شهری و نرسیدن گاز به این محل، جاده مشهد - طوس را با کیپول های خالی گاز بستند. این اقدام اعتراضی روز شنبه هشتم آذر که از ساعت ۹ صبح آغاز شده بود تا ساعت ۱۸ ادامه یافت.

*** نامه اعتراضی**

کارگران شرکت سامیکو صنعت همدان، با ارسال یک نامه به خبرگزاری ها، در مورد نحوه مدیریت این واحد اعتراض نموده و خواستار نظارت بر عملکرد آن شدند. این نامه به امضای بیش از ۱۷۹ کارگر این واحد رسیده است. این شرکت از ۹ ماه پیش تعطیل شده و ورود کارگران به کارخانه از نیمه دوم آبان ماه ممنوع اعلام شده است. کارگران خواهان پرداخت ۶ ماه حقوق عقب افتاده و سایر طلب های خود می باشند.

*** اعتراضات دانشجویی**

- دهها تن از دانشجویان دانشگاه صنعتی اصفهان، از روز ۱۶ آذر، در اعتراض به محدودیت ها و فشارهایی که در محیط دانشگاه بر دانشجویان اعمال می شود، دست به یک اعتصاب غذای نامحدود زدند. - دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی همدان، در اعتراض به کمبودهای آموزشی و رفاهی روز پنجشنبه ۱۳ آذر دست به اعتصاب زدند. - روز چهارشنبه ۱۲ آذر، دانشجویان دانشگاه صنعت هواپیمایی کشور، در اعتراض به کمبودها و نواقص متعدد امور آموزشی و رفاهی دست به اعتصاب غذا زدند و کلاس ها را نیز تعطیل کردند. دانشجویان در بیانیه ای، ضمن اعتراض به مدیریت، خواستار رسیدگی به مطالبات خویش شدند.

امواج اعتراضات توده‌ای در آمریکای لاتین علیه نئولیبرالیسم

زدند. خواست اصلی اعتصابیون توقف کامل سیاست‌های نئولیبرالی بود که مستقیماً از سوی مراکز مالی امپریالیستی به دولت این کشور دیکته می‌شود. این اعتصاب ادامه اعتصاب وسیع ماه ژوئن واوت بود. در این روز دهها هزار نفر به خیابان‌ها آمده و خواهان پایان بخشیدن به فقر و فلاکت هر دم فزاینده خود شدند. پاسخ مقامات دولت نیز چیزی جز سرکوب و گلوله نبود. در اثر تیراندازی مأموران پلیس و ارتش بیش از ۱۰ نفر کشته، دهها نفر زخمی و بیش از هزار نفر دستگیر و روانه زندان شدند. به رغم سرکوب وحشیانه این اعتراضات، اما توده‌های جان به لب رسیده در این کشور فقر زده نیز عزم جزم دارند به مبارزات خود ادامه دهند. در یک کلام در سراسر مرکز و جنوب قاره آمریکا جنبشی عظیم علیه شیوه‌های کنترل اقتصاد به شیوه سرمایه‌داران در جریان است.

از صفحه ۸

وزارتخانه جدیدی به نام ...

درونی رژیم برای قاپیدن ارگان‌ها و نهاد -هایی که در دست جناح رقیب است. در واقع، جناح خاتمی با تشکیل این وزارت -خانه، می‌خواهد نهادهای متعددی را که تحت عناوین بنیادها و صندوق‌های رنگارنگ به اسم کمک، امداد، حمایت و غیره و ذالک، منافع کلان مالی و سرمایه داری را در دست خود متمرکز ساخته‌اند، از چنگ جناح رقیب در آورد. اس‌واس قضیه در همین است. در این میان سرنوشت اندوخته‌های صندوق سازمان‌تأمین اجتماعی نیز که حاصل سالها برداشت از دسترنج کارگران است، معلوم نیست. چون تاکنون به رغم این که حساب و کتاب و برداشت از این صندوق نیز مستقیم و غیر مستقیم در دست دولت و نهادهای به اصطلاح کارگری وابسته به آن بود، معهدا ادعا می‌شود که مستقل است و متعلق به کارگران. اما اکنون سازمان‌تأمین اجتماعی نیز قرار است در این وزارتخانه جدید ادغام شود و صندوق آن نیز رسماً در اختیار این وزارتخانه قرار خواهد گرفت. آن چه که دولت می‌تواند دست به نقد تصاحب کند، همین صندوق است. این که بتواند یا نتواند چیزی از چنگ جناح رقیب در آورد، وابسته به زور و قدرت دو طرف در یک منازعه و کشمکش طولانی‌تر خواهد بود که از هم‌اکنون پیش بینی آن در همین مصوبه تشکیل وزارتخانه جدید شده‌است. بنیادها و صندوق‌های رنگارنگ وابسته به جناح رقیب می‌توانند از ادغام در این وزارتخانه جدید سرباز زنند، اما دیگر، سوای درآمدهای کلانی که دارند، مبلغ کلان دیگری از بودجه دولتی دریافت نخواهند کرد.

خلاصه کنیم: هدف روشن است. وزارتخانه جدید نه در پی رفاه توده مردم است، نه بهبودی در سیستم‌تأمین اجتماعی. ابزاری است در منازعه و تسویه حساب‌های درونی رژیم. هدف اصلی تشکیل وزارتخانه جدید همین است و بس.

در آوریل ۲۰۰۲، نظامیان طرفدار آمریکا دست به یک کودتای نظامی زدند که مستقیماً از سوی CIA طراحی شده بود. در مقابل این حرکت ضد انقلابی، توده‌های کارگر و زحمتکش و نزولاً به خیابان‌ها آمده و به مقابله با کودتاچیان برخاستند و رئیس جمهور راه قدرت بازگرداندند. امپریالیسم آمریکا شریبان اقتصادی این کشور را کاملاً در کنترل دارد اما توده‌های کارگر و زحمتکش به مخالفت و اعتراض ادامه می‌دهند.

در مکزیک هم موج مخالفت وسیعی علیه نظام امپریالیستی در اوایل سال ۱۹۹۴ آغاز شد که از جمله در جنبش Chiapas تبلور می‌یابد. در این جا هم جنبش کارگران و زحمتکش‌شان از فقر به تنگ آمده و راه مقابله مستقیم با سیاست‌های نئولیبرالی دولت این کشور و گسترش نفوذ اتحاد سرمایه‌داران آمریکایی و مکزیکی تحت عنوان NAFTA را در پیش گرفتند. چیزی نگذشت که جنبش Chiapas به مناطق دیگر مکزیک گسترش یافته و به سمبل مقاومت توده‌ها در مقابل غارت و چپاول دسترنج آنان توسط سرمایه‌های یانکی بدل شد.

در پورتوریکو پس از سال‌ها مبارزه، سر انجام جنبش حق طلبانه توده‌های تحت ستم در سال ۲۰۰۳ موفق شد به حضور نظامیان آمریکایی در خاک این کشور پایان داده و تمام پایگاه‌های هوایی این کشور را، که وظیفه جاسوسی علیه دولت کوبا را به عهده داشتند، تعطیل کند.

درهائیتی به رغم تشبثات امپریالیست‌های آمریکایی و عوامل داخلی آنها، توده‌های مردم از برنامه‌های اقتصادی مخالف سیاست‌های نئولیبرالی محافل وابسته به امپریالیسم دفاع کردند و در سال ۲۰۰۰ رئیس جمهور خود را که نظامیان حاکم در سال ۱۹۸۶ از اریکه قدرت به زیر کشیده بودند مجدداً انتخاب کردند.

در اکوادور ائتلاف انتخاباتی مخالف سیاست‌های نئولیبرالی موفق شد در سال ۲۰۰۰ دولت پروامریکایی این کشور را به کناریزند. در این سال یک افسر ارتش که مخالف سیاست‌های نئولیبرالی بود به قدرت رسید.

در برزیل، انتخاب Lula da Silva نشانه مخالفت کامل توده‌های کارگر و زحمتکش با سیاست‌های اقتصادی نئولیبرالی بود که این کشور را به آستانه فقر و فلاکتی بی سابقه سوق داده است.

به عنوان آخرین نمونه می‌توان به مبارزات توده‌های مردم در جمهوری دومینیکن اشاره کرد. در این جا کاربست سیاست‌های نئولیبرالی درصد بیکاران را به ۳۰٪ جمعیت فعال رسانده است. بیش از ۷۰٪ مردم زیر خط فقر زندگی می‌کنند، قیمت مایحتاج اصلی میلیون‌ها کارگر و زحمتکش روزانه افزایش یافته و در همین حال دستمزد ناچیز کارگران کفاف هزینه آنان را در نیمی از ماه را هم نمی‌کند. بر بستر این اجحافات آشکار بود که روز ۱۱ نوامبر تمامی کارگران و زحمتکش‌شان این کشور دست به یک اعتصاب ۲۴ ساعته

سرمایه داری در مدتی کوتاه دادند. اما بی‌آمدهای کاربست این سیاست‌های اقتصادی را می‌توان به وضوح در گسترش موج مقاومت توده‌های کارگر و زحمتکش این کشورها دید. در اکتبر سال جاری میلیون‌ها انسان زجر کشیده در بولیوی خیردار شدند که تنها ثروت طبیعی این کشور، یعنی منابع گاز طبیعی به امپریا -لیست‌ها فروخته خواهد شد. پخش این خبر کاسه صبر توده‌ها را لبریز کرد و به رغم وحشی‌گری همه جانبه ارتش و پلیس و کشتار بیش از ۷۰ نفر، اعتراضات ادامه یافت و به فرار رئیس جمهور این کشور به آمریکا انجامید.

در گوشه دیگر این قاره توده‌های فقرزده آرژانتین با کوهی از مشکلات لاینحل اقتصادی مواجه هستند که نتیجه مستقیم کاربست سیاست‌های نئولیبرالی در بیش از یک دهه گذشته است. این کشور آمریکایی جنوبی که زمانی تولیدکننده مواد غذایی و گوشتی در سطح کشور های پیشرفته سرمایه داری بود، به یمن کاربست سیاست‌های نئولیبرالی به کشور وارد کننده مواد غذایی تبدیل شد و بیکاری، فقر و تورم ناشی از این سیاست‌ها سرانجام این کشور را به سراسیمه و ورشکستگی و فروپاشی تام و تمام اقتصادی پرتاب نمود. توده‌های گرسنه و فقر زده مردم به مراکز سرکوب و ستم حمله کردند. در اینجا نیز شورش کارگران و زحمتکش‌شان نشان داد که نئولیبرالیسم به بن بست رسیده است.

کلمبیا یکی دیگر از کشورهای این قاره است که سیاست نئولیبرالی در سایه سر نیزه یکی از خشن‌ترین دیکتاتورهای راه خود را هموار نموده است. اما در این جا هم مدت‌زمان طولانی نگذشته بود که امواج اعتصابات عمومی و مبارزات مسلحانه چریک‌های وابسته به ارتش انقلابی کلمبیا، خبر از رشد و گسترش و مقاومت توده‌های فقرزده این کشور داد. به رغم وحشی‌گری بی‌سابقه دولت کلمبیا، اما جنبش کارگران، کشاورزان، دانشجویان، بیکاران و جوانان هر روز بیش از روز پیش گسترش می‌یابد.

در ونزوئلا آتش مقاومت توده‌های کارگر و زحمتکش در سال ۱۹۹۸ شعله گرفت. در انتخابات این سال، توده‌های مردم به نمایندگان مستقیم امپریالیست‌های یانکی که نئولیبرالیسم و ارتشاء و فساد مالی و اداری ناشی از آن را نمایندگی می‌کردند، نه گفتند و Hugo Chavez انتخاب شد که وعده داده بود صنایع و نزولاً را ملی می‌کند و سیاست‌های رفاهی به نفع کارگران و زحمتکش‌شان را در پیش می‌گیرد. در این مدت و به رغم کارشکنی‌ها و خرابکاری‌های بی‌وقفه امپریالیست‌ها قانون اساسی این کشور باز نویسی شده و سیاست‌های اقتصادی دولت در راستای پاسخگویی به نیازهای کارگران و زحمتکش‌شان تعیین شده است. این اقدامات نمی‌توانست مخالفت امپریالیست‌ها را به دنبال نداشته باشد.

ازصفحه ۵

مرگ بی خانمان - انسان ها، این ...

رژیم گفت: "کارتن خواب ها عمدتا جزو طبقه متکدیان معتاد هستند که مسئولیت جمع آوری و سازماندهی آن ها به عهده مجموعه ای از نهادهای دولتی ست و اعتبار رسیدگی به وضعیت آن ها نیز در اختیار استانداری هاست."

خلاصه کلام این که در طی سه چهار روز که ازانتشارخبر مرگ ۴۰ انسان از سرما گذشت دیگر مقامی نبود که مسئولیت این واقعیت را به گردن دیگری نیاندازد و با توصیف جان سپردگان به "طبقه متکدی و معتاد" یا برداشتن یک صفر از جلوی تعداد آنان نخواستند باشد مسئله را کوچک و بی اهمیت جلوه دهد، کما این که آقای محمود احمدی نژاد، شهردار انصار حزب - الهی تهران نیز چنین کرد. روزنامه آفتاب یزد بیست و دو آذر به نقل از وی نوشت: ۴۰ نفر در یک شب از سرما نمرده -اند، تعداد ۴ یا ۵ نفر برای یک هفته بود که این هم "عادی" ست!

باری مسئولان ومقامات گوناگون جمهوری اسلامی نه فقط مسئولیتی نپذیرفتند و پاسخی ندادند که کوشیدند با توصیف جان سپردگان به معتاد و متکدی و کم کردن شمار آنان قضیه را لوث کرده و آن را بی اهمیت جلوه دهند. در حالی که موضوع ازاین قراراست که آیا این انسان ها- چه ۴ نفر و چه ۴۰ نفر، چه معتاد و چه متکدی و چه هر کس دیگری- حق حیات و زندگی دارند یا نه؟ آیا معتادان ومتکدیان خود قربانیان نظم موجود نیستند؟ اگر مقامات جمهوری اسلامی حاضر نیستند حتا مسئولیت مرگ این انسان ها را بپذیرند، قطعاً انتظارپاسخ به سئوالات بالا راهم نمی توان از آنان داشت. حالا فرقی نمی کند که شهردار تهران انصارحزبالله باشد یا راه چمنی، اصلاح طلب دوم خردادی، گیریم که شهردار تهران نه انصار حزب الله بود و نه اصلاح طلب حکومتی، گیریم که یک جمهوری خواه یا مشروطه طلب بود که حالا در طیف های گوناگون در خارج حکومت مشغول جبهه سازی اند. اگر به یکی از همین جمهوری خواهان و سلطنت طلبان بیرون حکومتی هم بگوئید تا نظرش رادر این رابطه بدهد، جواب می شنوید: مگر درخیابان های پاریس، مسکو و نیویورک کسی از سرما نمی میرد؟ آری اتفاقاً جواب درستی ست، در آن جاهم همه ساله صدها بی خانمان از سرما می میرند، در آن جا هم چه جمهوری بورژوازی برقرار باشد، چه سلطنت مشروطه، برنامه های برای عده ای از قربانیان نظم سرمایه داری که بی خانمان باشند نیست و ندارند، در آن جا هم میلیون ها متر مربع ساختمان خالی است و صدها هزارانسان درخیابان ها می خوابند. بله جواب درستی ست، جمهوری خواهان و مشروطه طلبان نیز پاسدارنظم اقتصادی و اجتماعی کنونی اند. کافی ست پلانتفرم -هایشان را یک بار خواند تا روشن شود که آنان نیز از همین نظم دفاع می کنند، منتها حاضرنیستند این مسئله را روشن و صریح بگویند و وقتی دمکرات ترینشان این جا و آن جا شفاها پاسخ می دهند، چنین می

خلاصه ای از اطلاعیه ها

و بیانیه های سازمان

«کشتار بی رحمانه مردم سراوان را محکوم می کنیم» عنوان اطلاعیه ای ست که در تاریخ ۱۳/۹/۱۳۸۲ انتشار یافت. در این اطلاعیه سازمان گفته شده است که جمهوری اسلامی، امروز در سراوان جنایت دیگری آفرید و تعدادی از مردم ستم دیده و بی دفاع بلوچ آماج گلوله های نیروهای سرکوبگر رژیم قرار گرفتند. در ادامه آمده است که مامورین انتظامی رژیم، جوان موتور سواری را که به ایست آنها توجه نکرده بود، به قتل رساندند. این اقدام وحشیانه منجر به اعتراض مردم گردید. در پی درگیری میان مردم و نیروهای سرکوبگر، آنها مردم را به گلوله بستند و مردم نیز به مراکز دولتی یورش بردند. دهها تن از مردم سراوان دستگیر و تعدادی نیز به قتل رسیدند. گفته می شود که دو تن از مزدوران نیز به قتل رسیدند. در پایان اطلاعیه، سازمان این اقدام وحشیانه رژیم را علیه مردم ستم دیده بلوچ محکوم کرده است.

تشکیلات خارج کشور سازمان در تاریخ ۹ دسامبر، اطلاعیه ای در اعتراض به ورود خاتمی به ژنو انتشار داد. اطلاعیه می گوید که خاتمی وزیر پیشین سانسور جمهوری اسلامی و رئیس جمهور کنونی رژیمی که در ۲۵ سال گذشته به سرکوب، نقض آزادی های سیاسی و حقوق بشر پرداخته است، روز ۱۰ دسامبر، روز جهانی حقوق بشر وارد ژنو می شود. اطلاعیه سپس می افزاید در شرایطی که مقامات امنیتی سوئیس تدابیر امنیتی شدیدی برای محافظت از وی و هیئت همراه او اتخاذ نموده اند و حتا جلسه های آموزشی آلترناتیو را مورد حمله قرار داده و چند تن را زیر نظر قرار گرفته اند، خاتمی با محافظت دو هزار پلیس ضد شورش در اجلاس جهانی جامعه اطلاعاتی شرکت می کند.

تشکیلات خارج کشور سازمان در پایان، ضمن محکوم کردن حضور خاتمی و هیئت همراهش، به وجدان های آزادیخواه و نیروهای چپی که در همایش آلترناتیو در این اجلاس شرکت می کنند درود می فرستد و خواهان محکومیت جمهوری اسلامی به خاطر ریع سده سرکوب و کشتار و ممیزی ست.

گویند: در حال حاضر نمی توان در مقابل نهادهایی چون صندوق بین المللی پول و بانک جهانی قد علم کرد!

در پاریس، مسکو و نیویورک هم مانند تهران، انسان ها صفرهای بی اهمیت نظمی هستند که بدون برچیدنش فجایع اجتماعی را پایانی نیست. اصل موضوع تنها و تنها این است و نه این که جان سپردگان از سرما، در تهران هستند، زیر یوغ یک حکومت جنایتکار قرون وسطایی به نام جمهوری اسلامی یا در یک جمهوری پارلمانی در نیویورک و پاریس. اصل موضوع این نیست که جان سپردگان از سرما در تهران ۴ نفر بودند یا ۴۰ نفر، معتاد بودند یا متکدی، اصل قضیه این است که آنان انسان بودند و حق حیات و زندگی داشتند. این حق را نظم ضد انسانی سرمایه داری از آنان گرفت.

ازصفحه ۲

جنبش دانشجویی، ...

-جوبی شعارهای دیگری نیز عنوان شد که این شعارها ورود جنبش دانشجویی به مرحله جدیدتری را بشارت می دهد. شعار برابری و شعار حمایت از اعتصابات کارگری که دراعتصابات و اعتراضات اخیر دانشجویان مطرح گردید، جهت گیری آگاهانه جنبش دانشجویی را نشان می دهد. شعاربرابری، درعین آن که به نوعی بیان اعتراض دانشجویان به انواع تبعیضات موجود در جامعه است، خواست برابری طلبانه و عدالت خواهانه آنان را بازتاب می دهد. با این شعارها نه فقط تبعیضات و نابرابری های موجود تمامانی می شود و زیر سوال می رود، بلکه باتائید بی چون و چرای اهمیت اعتصابات کارگری و ضرورت حمایت جنبش دانشجویی از اعتصابات کارگری، بر ضرورت پیوند جنبش های اجتماعی اعتراضی با یکدیگر نیز انگشت گذاشته می شود، که این نیز نشان از فعال تر شدن بخش چپ رادیکال و سوسیالیستی جنبش دانشجویی و راست شدن قامت این گرایش است.

در یک کلام، برگزاری مراسم ۱۶ آذر امسال گرچه از لحاظ گستردگی و کمیت نیروهای شرکت کننده به سطح سال گذشته نمی رسد، اما از نظر کیفی به ویژه طرح شعارها و جهت گیری جدید، کیفیت نوینی را بازتاب داد. این کیفیت که نتیجه حضور فعال گرایش چپ رادیکال و سوسیالیستی درون جنبش دانشجویی ست، به روشنی بیانگر این موضوع است که جنبش دانشجویی، گام دیگری به پیش برداشته است.

ازصفحه ۴

اخبار کارگری جهان

همین رابطه، این کارگران با ابراز تاسف از این موضوع و به وجود آوردن مشکل برای همشهریان یادآوری نمودند که مجبور بدین کارشده اند. چون تا به حال با وجود چندین اعتصاب پیشین به خواسته های آنان تاثیری گذاشته نشده است و اعلام نموده - اند که اگر بدین درخواست ها جوابی ندهند دوباره به اعتصاب شدیدتری دست خواهند زد. دولت نیز به این بهانه که این گونه اعتصاب ها مردم را تحت فشار قرار می دهند، درخواست نموده است که کلا به کارگران بخش های عمومی ازقبیل حمل و نقل، اجازه اعتصاب داده نشود.

کمک های مالی رسیده

هلند

۳۰ یورو

الف. م

کانادا

۲۰ دلار کانادا

ونکوور- ستاره

مونترال - به یاد

۸۰ دلار کانادا

حبیب سالیانی

وزارتخانه جدیدی به نام «رفاه و تامین اجتماعی»

عظیم. گیریم که این ثروت عظیم در دست مشتیی از انحصارات سرمایه داری قرار گرفته است و میلیون ها انسان زحمتکش در فقر و محرومیت زندگی کنند.

اگر از سازمان ما سوال شود که رفاه یعنی چه و آن را چگونه می بینید؟ پاسخ خواهد داد که رفاه مسئله ای مربوط به زندگی توده های وسیع مردم است و هنگامی می توان از رفاه و خوشبختی مردم سخن به میان آورد که طبقات فقیر و غنی، ستمگر و ستم دیده وجود نداشته باشند. استثمار انسان از انسان برافشاده باشد. هرکس به قدر توانایی اش کار کند و به قدر نیازش دریافت کند. ساعات فراغت بیشتری داشته باشد و انسان های آزاد و برابر بتوانند استعداد ها و توانایی های خود را شکوفا سازند.

اگر از یک سلطنت طلب ایرانی سوال شود که رفاه یعنی چه؟ پاسخ خواهد داد: همان چیزی ست که در دوران رژیم شاه وجود داشت و مردم در رفاه و آسایش زندگی می کردند.

اگر از یک سوسیال دمکرات اروپایی سوال شود، اونیز پاسخ خواهد داد که رفاه همان چیزی ست که اکنون در اروپا وجود دارد؛ یا جیب ترین جناح آن پاسخ خواهد داد که همان " دولت رفاه عموم " سالها پیش است که در اروپا وجود داشت. اگر از سران جمهوری اسلامی پرسیده شود که رفاه مورد نظر شما چیست؟ همان پاسخی را خواهند داد که مکررا از زبان امثال خامنه های، رفسنجانی ها، خاتمی - هاشمی شده است. الحمدولله از وقتی که جمهوری اسلامی در ایران برقرار شده است، مردم در رفاه و آسایش زندگی می کنند.

بنابراین روشن است که در این وزارتخانه جدید، دست به نقد " رفاه " بودنش، یک حرف مفت و مجانی ست. حال ببینیم " تامین اجتماعی " بودنش که آن هم بنا است از نوع " جامع " آن باشد، از چه قرار است. وقتی که کسی عبارت " سیستم تامین اجتماعی جامع " را می شنود و در عین حال متوجه این مسئله هم هست که می خواهد در یک جامعه سرمایه داری به مرحله اجرا در آید، قبل از هر چیز شعار سوسیال دمکرات های اروپایی چند دهه پیش به ذهنش متبادر می شود، که خواهان برقراری یک سیستم تامین اجتماعی جامع، بودند.

سوسیال دمکراسی اروپایی می خواست، این مطالبه و این شعار را با حفظ نظام سرمایه داری و سازش کار و سرمایه عملی سازد.

بدیهی بود که تحقق کامل یک چنین شعاری در شرایط سرمایه داری، ناممکن و تحقق جزایی از آن ناپایدار خواهد بود. اما به هرحال انکار نمی توان کرد که در سال های پس از جنگ جهانی دوم، تحت شرایط ویژه ای از مبارزه طبقاتی و توازن قوا در عرصه های داخلی و بین المللی و نیز رونق اقتصادی نسبی جهان سرمایه داری، سوسیال دمکراسی اروپایی در هر جا که به قدرت رسید، توانست در محدوده ای مطالبات کارگران را در زمینه تامین اجتماعی به مرحله اجرا در آورد که هنوز هم بعد از گذشت دو دهه از یورش سرمایه برای باز پس گرفتن این دست آورده های مبارزات کارگری، بقایای آن نیز بسی از کشورهای نظیر ایران فاصله دارد.

حالا آیا در سیستم تامین اجتماعی به اصطلاح " جامع " جمهوری اسلامی، اصلا می تواند بحثی و مقایسه ای حتا با سیستم تامین اجتماعی جامع مورد نظر سوسیال دمکرات های اروپایی که زمانی در زمینه های بهداشتی، درمانی، بیکاری، مسکن، کمک های اجتماعی، بارداری، رفاهی، آموزشی، ورزشی و تفریحی، سالمندان، کودکان و غیره مطرح می کردند، در میان باشد؟

قطعا هرکسی خواهد گفت که اصلا سئوالی بیهوده است. چون همین دولت و مجلس کنونی، میلیون ها کارگر را باخارج کردن از شمول قانون کار، از حداقل بسیار ناچیزی هم که می توانستند برخوردار باشند، محروم کرد. حالا میلیون ها کارگر کارگاه های زیر ۱۰ نفر بدون برخورداری حتا از حداقل بیمه های اجتماعی، باید ۷ روز هفته را آن گونه که سرمایه دار می خواهد، کارکنند و روزی هم که نخواست، گرسنه به خیابان ها پرتاب شوند.

بنابراین " نظام تامین اجتماعی جامع " جمهوری اسلامی که ادعا می شود وزارت خانه جدیدی برای تحققش ایجاد شده است، اگر چیزی کمتر از آن چه که امروز به نام تامین اجتماعی از آن نام برده می شود، نباشد، فراتر از آن نخواهد بود. این را کارگران نیز به خوبی می دانند و از این جهت می توان گفت که دیگر بدین طریق نمی توان کارگران را فریب داد. رژیم هم این را می داند. پس هدف اصلی رژیم از ایجاد این وزارت خانه جدید چیست؟ اولاً- ادامه تلاش های رژیم برای متمرکز ساختن ارگان ها و نهادهای موازی ست که این کار را از مدت ها پیش آغاز کرده است. ثانیاً- ادامه کشمکش ها و رقابت های جناح های

صفحه ۶

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)، نامه های خود را در دو نسخه جدا گانه برای دوستان و آشنایان خود در خارج از کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه هایتان را به یکی از آدرسهای زیر پست کنند.

آلمان
K . A . R
Postfach 160531
60068 Frankfurt
Germany

اتریش
Kar
Postfach 260
1071 , Wien
Austria

دانمارک
I . S . F
P . B . 398
1500 Copenhagen V
Denmark

سوئد
M . A . M
Postbox 1144
75141 Uppsala
Sweden

سوئیس
Sepehry
Postlagernd
3052 Zollikofen
Switzerland

فرانسه
A . A . A
MBE 265
23 , Rue L ecourbe
75015 Paris
France

کانادا
K.Z
P.O.BOX 2488
Vancouver B.C
V6B 3W7
Canada

کمک های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آنرا به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس های سازمان ارسال نمائید

I.W.A
6932641 Postbank
Holland

شماره های فکس

سازمان فدائیان (اقلیت)

۰۰۴۴۸۴۵۲۸۰۲۱۹۹

۰۰۴۴۸۷۰۱۶۸۸۲۷۱

۰۰۴۴۸۷۰۱۳۸۲۵۷۲

پست الکترونیک E-Mail:

info@fedaiian - minority.org

نشانی سازمان بر روی اینترنت:

http://www.fedaiian - minority.org

KAR

Organization Of Fedaiian (Minority)

No. 419 dec 2003